نخبه و مدیر جهادی‌ای که از شاهچراغ پرکشید

پای صحبت‌های خانواده شهید «سیدفرید معصومی»

۲۲

او را «خمینی آذربایجان» خواندند

سیره سیاسی شهید آیت‌الله سیدمحمدعلی قاضی‌طباطبایی، در آینه ۵روایت

۲۳

ادبیات کودک و نوجوان تزئینی نیست

گفت‌وگو با سیداحمد میرزاده شاعر و نویسنده کودک و نوجوان

۲۴

یکشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۱ ■ ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۶۳۱

همشهری فرهنگ

نمایی از فیلم سینمایی «لوپتو»

سینمای ایران به زمان طلایی «اطیاب‌تایم» رسیده است

«بیرو» فقط ۴ تماشاگر

سینما

وضعیت سینمای ایران در این روزها حتی از دوره کرونا هم وخیم‌تر شده و تا امروز عملا مدیران سینما نتوانسته‌اند راه‌حلی برای این وضع پیدا کنند. صاحبان فیلم‌هایی که احتمال دارد اثرشان در گیشه بفروشد و تغییری در وضع سینماها ایجاد کنند، حاضر به اکران فیلم هایشان نیستند و از سوی دیگر، فیلم‌هایی که اکران می‌شوند، بود و نبودشان یکی است و کمکی به گرم شدن تنور اکران نمی‌کنند. هفته گذشته، بسته جدید فیلم‌هایی که برای رونق دادن به پرده سینماها انتخاب شده بودند اکران شدند و نتایج استقبال از آنها تعجب هیچ‌کس را برنینگیخت. احتمالا حتی خود تصمیم‌گیرانی هم که این فیلم‌ها را راهی پرده‌ها کرده بودند انتظار نداشتند با چنین فیلم‌هایی بتوان صندلی‌های خالی سینماها را پر از تماشاگر کرد. «بیرو» ساخته مرتضی‌علی عباس‌میرزایی، «طبقه یک و نیم» ساخته نوید اسماعیلی و انیمیشن «لوپتو» ساخته عباس عسکری فیلم‌هایی بودند که در روزهای پایانی هفته گذشته به روی پرده آمدند و جز «لوپتو» که با استقبال نسبی سینماروها مواجه شد، نتوانستند تغییری در معادلات اکران ایجاد کنند. با اینکه به‌نظر می‌رسد بی‌میلی سینماروها به سینما رفتن علل دیگری جز کیفیت فیلم‌های روی پرده داشته باشد، همه امیدهای دست‌اندرکاران سینما این است که فیلمی مثل «دینامیت» یا «انفرادی» (هر دو ساخته مسعود اطیابی) ناجی گیشه‌ها شود.

«بیرو» هر سانس ۴/۲۷ تماشاگر

فیلم زندگینامه علیرضا بیرانوند با نام «بیرو» از چهارشنبه هفته پیش اکران شده و تا زمان نوشتن این گزارش، مطابق آمار سمفا (سامانه مدیریت فروش و اکران سینما)، ۳۲۵بلیت در ۷۶سانس فروخته است؛ یعنی در هر سانس ۴٫۲۷تماشاگر حین پخش فیلم در سالن حضور داشته‌اند، آن هم در روزهای پایانی هفته که معمولا تعداد تماشاگران سینماها بیشتر می‌شود. مجموع فروش بیرو در ازای این ۷۶بلیت، ۱۱میلیون و ۷۹۲ هزار و ۵۰۰ تومان بوده است. البته کسی انتظار معجزه از «بیرو» هم نداشت و تقریبا این فیلم در هر زمان دیگری هم که اکران می‌شد، نمی‌توانست تماشاگر زیادی داشته باشد، اما از کسانی که این فیلم را با هدف رونق بخشیدن به اکران راهی پرده کرده‌اند باید پرسید با چه حساب و کتابی چنین انتخابی کرده‌اند؟ نه ترکیب بازیگران این فیلم که شامل حسین بیرانوند، رضا داوودنژاد، سعید داخ، صحرا اسداللهی، سهیل قنادان، سیاوش چراغی‌پور و مهدی زمین‌پرداز است جذابیت گیشه‌ای دارد و نه تجربه شکست فیلم‌های بیوگرافی در سینمای ایران نوید موفقیت این فیلم را می‌داده است. پس چرا این فیلم در این مقطع اکران شده؟ آیا نمی‌شد «بیرو» را مستقیما راهی اکران آنلاین کرد یا آن را به تلویزیون فروخت؟ شاید هر دوی این راه‌ها برای «بیرو» سرنوشت بهتری را رقم می‌زدند.

«لوپتو» موفق‌تر از مهدی هاشمی

«طبقه یک و نیم» از سه‌شنبه هفته پیش اکران شد و تا زمان نگارش این گزارش، در ۵۰۰سانس، ۶هزار و ۱۲۴بلیت فروخت و به‌طور میانگین در هر سانس ۱۲۲۴ نفر به تماشای آن نشستند. در این فیلم، مهدی هاشمی، صحرا اسداللهی، خسرو احمدی، قاسم زارع، شهره سلطانی، بهروز پناهنده، مهران رجبی، امیرمحمد متقیان و اسدالله یکتا به ایفای نقش پرداخته‌اند. هاشمی امسال با «انفرادی» تجربه موفقی در گیشه داشت، اما آنجا در کنارش رضا عطاران حضور داشت که موفقیت فیلم را باید به‌حساب وی گذاشت. انیمیشن «لوپتو» که از روز چهارشنبه روی پرده آمد، با فروش ۱۰هزار و ۵۶۱ بلیت در ۶۸۹سانس به‌طور متوسط در هر سانس ۱۵٫۳۲نفر تماشاگر داشته است. «لوپتو» از این ۳ فیلم موفق‌ترینشان بوده و شاید در روزهای آتی فروشش بیشتر هم شود.

فیلم خوب در سالن خوب

سینماها شانس خروج از این بحران ادامه‌دار را دارند یا نه؟ جمال ساداتیان، تهیه‌کننده «متری شیش و نیم» و سینمادار، در این‌باره به ایسنا گفت: سالن‌های جدیدی که در کشور ما ساخته شدند، بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند و مردم دیگر ترجیح می‌دهند در سالن‌های شیک و استاندارد حضور داشته باشند، اما این هم مهم است که در این سالن‌ها چه فیلمی اکران شود، چون مردم برای سالن زیبای خالی که به سینما نمی‌آیند. به جز این، شرایط اجتماعی کشور روی سینما تأثیر می‌گذارد و ممکن است مردم دل و دماغ خیلی از کارها را نداشته باشند، اما در کنار همه این قضایا، اگر فیلم‌هایی داشته باشیم که مورد توجه مردم قرار بگیرند به‌نظرم سینما می‌تواند از حالت فعلی خود خارج شود؛ همانطور که سال گذشته در اوج کرونا هم وقتی فیلم «دینامیت» اکران شد، با وجود ناامیدی مسئولان و سینماگران، همین فیلم در آن مقطع توانست فروش خیلی خوبی داشته باشد. مدیر سینماهای آستارا و قلهک که مدت‌هاست در تعطیلی به‌سر می‌برند، درباره اینکه آیا شرایط فعلی را با دوران کرونا می‌توان مقایسه کرد؟ گفت: این نکته را قبول دارم که مشابه نیستند، اما تأکیدم بر این است که وقتی فیلمی خوب باشد، می‌تواند مخاطب خود را پیدا کند؛ یعنی فیلمی باید اکران شود که سلایق مختلف جامعه بتواند علاقه‌مندی‌های خود را در آن پیدا کند.

من معتقدم اگر فیلم خوب داشته باشیم، سینما می‌تواند موتور خود را روشن کند؛ به‌خصوص در شرایط فعلی که فیلم‌هایی با نقد اجتماعی یا رگه‌هایی از موضوعات سیاسی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر مردم بدانند یک فیلم بخشی از مکنونات ذهنی آنها را به تصویر می‌کشد می‌تواند برایشان جذاب‌تر باشد. ساداتیان درباره حمایت‌های مالی سازمان سینمایی برای اکران فیلم‌ها بیان کرد: از جزئیات این موضوع اطلاعی ندارم ولی در زمان کرونا چند فیلم مشخص شدند که می‌توانستند به رونق سینما کمک کنند. قرار شد سوبسیدی به آنها داده شود و یک حداقل گارانتی درنظر گرفته شود تا فیلم‌ها اکران شوند. در آن روزها «دینامیت» اکران شد و شکر خدا مورد استقبال مردم هم قرار گرفت. الان نباید بحث بر سر این باشد که دولت حمایت کند تا فیلم‌هایی که نمی‌توانند رنگ پرده را ببینند اکران شوند بلکه باید فیلم‌هایی انتخاب شوند که می‌توانند به رونق گیشه کمک کنند تا زودتر چرخه سینما فعال شود.

مکث

معجزه فیلمساز محبوب مسعود فراستی

مسعود اطیابی را باید معجزه‌گر سینما در سال‌های کرونا و رکود دانست. ۲ فیلم او یعنی «دینامیت» و «انفرادی» پارسال و امسال در گیشه معجزه کردند و به ترتیب دومین و نخستین فیلم‌های پرفروش تاریخ سینمای ایران شدند. این روزها بخت با مرد میلیاردی سینمای ایران یار است و گویی اگر او دست به خاکستر هم بزند، طلا می‌شود و سود وافر و ظفر دائم است که نصیب او و فیلم‌هایش می‌شود. مهم نیست که فیلم‌های اطیابی آنقدر باکیفیت نیستند که به‌کار تحلیل و تفسیر بیایند و بشود از دلشان چیز دندانگیری پیدا کرد؛ مهم این است که سینمادارها عاشق فیلم‌های اطیابی هستند. موفقیت او در گیشه تضمین شده به‌نظر می‌رسد و شاید مسئولان به جای هر راه‌حلی باید یکراست سراغ خود اطیابی بروند و فیلم جدید او یعنی «بخارست» با بازی پژمان جمشیدی را که در «دینامیت» حاضر بود، اکران کنند. به قول فوتبالی‌ها، الان زمان «اطیاب‌تایم» است. وقتی همه درها بسته شده و امیدی نیست که فیلمی بفروشد، اطیابی با یکی از فیلم‌هایش در آخرین لحظات از راه می‌رسد و ناجی سینما می‌شود. خبرگزاری دولت، روز گذشته خبر داد، طبق اطلاعاتی که به ایرنا رسیده، رایزنی‌ها در مورد فیلم بخارست تقریبا به مرحله انتهایی رسیده تا درصورت توافق، این کمدی اجتماعی، در همین آبان‌ماه به روی پرده برود. اگر «بخارست» در بازه کنونی به روی پرده برود، دومین تجربه مسعود اطیابی در این حوزه را رقم خواهد زد. اطیابی سال گذشته و در شرایطی که کمتر کارگردانی به گیشه کرونایی کشور اعتماد می‌کرد، «دینامیت» را به روی پرده برد و توانست در ۹ماه نمایش سال گذشته خود، بیش از ۶۰میلیارد تومان بفروشد. «انفرادی» این کارگردان نیز از ۷اردیبهشت امسال به روی پرده است که گیشه‌ای حدودا ۷۳میلیارد را رقم زده تا طی ۲سال گذشته، پرفروش‌ترین آثار سینمایی کشور به‌نام مسعود اطیابی رقم بخورد.

بخارست، فروردین و اردیبهشت امسال جلوی دوربین رفت. در این فیلم، حسین یاری، پژمان جمشیدی، امیرحسین آرمان، هادی کاظمی، پونه عاشوری‌پور، غزال نظر، ایمان صفا، وحید آقاپور، عرفان ابراهیمی، رضا بهبودی، غلامرضا نیکخواه و بابک کریمی بازی کرده‌اند. شاید مسعود فراستی که چند سال پیش «شرط اول» مسعود اطیابی را بهتر از فیلم اصغر فرهادی ارزیابی کرد، دوراندیشی می‌کرد و همین روزهای اوج اطیابی را می‌دید. حالا فیلمساز محبوب فراستی، ناجی سینمای ایران شده است.

سرمایه‌گذار این سریال خصوصی است

تکذیب برای ساخت «سووشون»

سریال

روابط‌عمومی پروژه در دست تولید «سووشون» به کارگردانی نرگس آبیار در واکنش به اظهارات مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس، سرمایه‌گذاری این انجمن در این پروژه را تکذیب کرد. به گزارش همشهری، پیرو خبر منتشرشده از سوی روابط عمومی انجمن سینمای انقلاب، درباره همکاری انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس در قالب سرمایه‌گذاری و تولید سریال «سووشون» به کارگردانی نرگس آبیار و تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی، روابط‌عمومی این سریال پس از اختصاص زمان کافی جهت اصلاح خبر مذکور و عدم‌واکنش مناسب با وجود تذکرات داده شده، توضیحاتی را ضروری دانسته که به شرح ذیل است: «انجمن سینمای انقلاب و دفاع‌مقدس در تولید و سرمایه‌گذاری پروژه «سووشون» هیچ نقشی نداشته و خبرهای منتشرشده در این مورد کاملا کذب است. انتظار می‌رود انجمن مذکور در اطلاع‌رسانی و انتشار اخبار دقت لازم را داشته باشد تا درصورت بروز چنین اشتباهاتی، برداشتی مبنی‌بر رزومه‌سازی کاذب و سوء مدیریت به مخاطبین و دغدغه‌مندان فرهنگ و هنر القا نشود. هر چند مشکلات اقتصادی ناشی از تورم باعث بروز سختی‌های متعدد در ساخت این اثر شده اما پروژه «سووشون» به‌طور کامل با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و با همت، تلاش و ممارست شبانه‌روزی عوامل سازنده آن در حال تولید است.»

پشت صحنه فیلم ابلق آخرین ساخته نرگس آبیار

یادداشت

شهاب مهدوی
روزنامه‌نگار

برهوت

چرا هیچ فیلمی در اکران عمومی به موفقیت نمی‌رسد

یک

فروش ناامیدکننده «بیرو» جز دلایلی که مرتبط با خود فیلم است و فاقد جذابیت لازم برای اقبال عمومی است و پیشینه ضعیف درام‌های ورزشی در ایران، به حال و هوای حاکم بر کلیت اکران فیلم در ایران نیز بازمی‌گردد. پرسش اصلی این نیست که چرا بیرو نمی‌فروشد، موضوع این است که هیچ فیلمی در سینماها با استقبال مواجه نمی‌شود. در واقع روندی که از انتهای سال ۹۸ با کرونا آغاز شد، با فروکش کردن پاندمی این ویروس هم به پایان نرسید. به هزار و یک دلیل عادت سینمارفتن از سر ملت افتاده و مهم‌ترین فرصت برای آشتی مخاطب هم در ابتدای امسال، با گران کردن بلیت سینماها که با افزایش نرخ تورم و بالا رفتن بهای کالاهای اساسی همراه شده بود، از دست رفت. در انتهای سال گذشته اعضای شورای صنفی نمایش و سینمادران استدلال‌های خود را برای بالابردن بهای بلیت داشتند، از جمله ثابت‌ماندن بهای بلیت در شرایطی که در طول ۲سال همه‌چیز گران شده بود و رکود و زیان‌دهی سالن‌های سینما، به‌دلیل وضعیت تعطیل، نیمه‌تعطیل ایام کرونا. نتیجه بلیت ۴۵هزار تومانی شد که بعد از چند ماه بارها با اجرای طرح‌های مختلفی چون بلیت نیم‌بها و شناور کردن بهای بلیت، کار به تخفیف برای جذب تماشاگر کشید. نیم‌بها اگر هم معجزه‌ای کرد، مقطعی و موقت بود. شرایط اجتماعی هم مزید بر علت شد تا کار به جایی برسد که تهیه‌کنندگان حاضر به اکران فیلم‌هایشان نشوند. بعد از یک ماه تردید و تدبیر نهایتا صاحبان چند فیلم پیشقدم اکران شدند که افتتاحیه‌شان نشان می‌دهد چه مسیری را در روزهای آتی طی خواهند کرد. فروش انیمیشن «لوپتو» نسبتا قابل‌قبول، گیشه «طبقه یک‌ونیم» زیر متوسط و بیرو هم که وضعیت فاجعه‌باری دارد.

دو

برهوت حاکم بر اکران عمومی را باید در سطحی فراتر از اتفاق‌های روز ارزیابی کرد. اینکه فلان فیلم فروش بهتری دارد و فیلم دیگر در جذب تماشاگر ناکام مانده، بحث‌های ثانویه است. معضل اصلی قهر دامنه‌دار مخاطب با سینمای ایران است؛ مخاطبی که به‌سختی قانع می‌شود راهی سالن‌های سینما شود و اگر فروش چند فیلم کمدی و یکی دو انیمیشن را در نظر نگیریم، می‌شود گفت همه فیلم‌های اکران‌شده در سینمای ایران شکست تجاری می‌خورند مگر اینکه خلافش ثابت شود. در مورد بسیاری از فیلم‌ها بحث بر سر این است که میزان ضرر چقدر است و گرنه در مورد نفس زیان اقتصادی و ناتوانی در بازگشت سرمایه تردیدی وجود ندارد. داستان ورود سرمایه به سینمای ایران هم ارتباط تنگاتنگی با قهر تماشاگر از سینما دارد. به این معنا که سینمای ایران به مرور حساب خود را از تماشاگر جدا کرده است و در مواردی انعکاس میزان استقبال از فیلم‌های حتی به ظاهر موفق هم بیشتر از اطلاع‌رسانی دقیق محصول خبرسازی روابط عمومی‌هاست. وگرنه همه می‌دانند که ۵میلیارد فروش برای یک محصول دولتی که ۱۰میلیارد صرف هزینه تولیدش شده یعنی زیان‌دهی کامل فیلم. نکته اینجاست که بخش دولتی بودجه‌ای مصوب دارد که آن را برای فیلم‌ها هزینه می‌کند و بازگشت سرمایه برایش خیلی موضوعیت ندارد و بخش خصوصی هم بیشتر با سرمایه‌های سرگردان و در مواردی مشکوک فیلم می‌سازد و برخی از دفاتر فیلمسازی بیشتر شبیه شرکت‌های پیمانکاری شده‌اند و نقش تهیه‌کننده به مجری طرح تقلیل یافته است. همه اینها نشانه‌های آشکاری از جداکردن حساب سینمای ایران از مخاطب هستند. نوعی استغنا بر دست‌کم نیمی از تولیدات سالانه حاکم شده که نتیجه‌اش همین سالن‌های خالی از تماشاگر است.

سه

راه‌حل، بازگشت به روال طبیعی سینماست؛ بازگشت به این اصل ظاهرا بدیهی که فیلم باید برای تماشاگر ساخته شود نه برای جذب سرمایه دولتی، خصوصی یا خصولتی و کسب سود از طریق تولید و نه اکران. اصل داستان این است و ابتدا باید سر این موضع ایستاد و بعد از آن است که می‌توان پای عوامل دیگر را وسط کشید. این برهوتی که امروز بر گیشه حاکم شده، محصول زیست غیرطبیعی سینمای ایران است. اگر این زیست طبیعی شد و اگر سوددهی از طریق گیشه و جذب تماشاگر امکان‌پذیر شد، می‌شود درباره مسائل دیگری هم بحث کرد. در شرایط فعلی اما هر داستان دیگری حکم حواشی زائد بر اصل را دارد.

لوح فشرده بفرستید

علاقه‌مندان به شرکت در بخش خیابانی جشنواره تئاتر فجر که امکان بارگذاری فیلم آثار خود در سامانه جشنواره را ندارند، می‌توانند فیلم آثارشان را در لوح فشرده به آدرس دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

به گزارش همشهری، پایان آبان‌ماه آخرین مهلت بارگذاری فیلم آثار بخش خیابانی تئاتر فجر در سایت جشنواره است، این در حالی است که برخی گروه‌های متقاضی شرکت در این بخش همچنان موفق به این کار نشده‌اند؛ از این‌رو دبیرخانه جشنواره امکان ارسال فیزیکی لوح فشرده اثر را فراهم کرده است.

به این ترتیب این دسته از گروه‌های متقاضی شرکت در بخش خیابانی چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر می‌توانند فیلم آثار را دبیرخانه جشنواره بفرستند. براساس گاهشمار بخش خیابانی فراخوان جشنواره، آخرین مهلت بارگذاری یا ارسال لوح فشرده آثار ۱ آذرماه ۱۴۰۱ است و اسامی منتخب مرحله اول ۲۰ آذرماه ۱۴۰۱ اعلام خواهد شد. بازبینی حضوری فیلم‌های ارسالی منتخب نیز از اول دی ماه لغایت ۱۵ دی ماه ۱۴۰۱ انجام خواهد شد. نتایج نهایی هم ۱۵ دی‌ماه ۱۴۰۱ اعلام می‌شود.

چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر همزمان با ایام جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد.

مسلمان شدن یک ستاره تلویزیونی فرانسه

ستاره زن یک رئالیتی‌شو در تلویزیون فرانسه، از مسلمان شدنش خبر داد.

به گزارش الجزیره، مارن حیمر اعلام کرده که مسلمان شده است و خاطرنشان کرده که از چند ماه قبل به دین اسلام گرویده است.

مدتی بود که گزارش‌هایی مبنی بر مسلمان شدن این مدل فرانسوی منتشر می‌شد تا اینکه چند روز قبل او با انتشار ویدئویی در صفحات مجازی‌اش این اخبار را تأیید کرد. مارن حمیر ویدئویی که در آن در یکی از مساجد فرانسه شهادتین را خوانده و مسلمان شده را منتشر کرده است.

او گفته است: راه‌هایی است که باید تنهایی و بدون خانواده و دوستانت طی کنی و آن راه‌ها فقط بین تو و خدایت است. او گفته برخی از مردم می‌دانستند که او مسلمان شده اما خیلی‌ها هم از او درباره صحت این موضوع سؤال می‌کردند، برای همین تصمیم گرفته است در فضای مجازی این خبر را اعلام کند. مارن حیمر تأکید کرده است که این انتخاب قلب، روح و عقل او بوده و احساس می‌کند به شکل فوق‌العاده‌ای رشد کرده و درباره اولویت‌ها و انتخاب‌هایش در زندگی تجدیدنظر کرده است.

حیمر در سال ۱۹۹۳ در بوردو (جنوب فرانسه) متولد شده است. او که اصالتی مراکشی مصری دارد، به‌خاطر حضور در رئالیتی‌شوهای تلویزیونی از جمله «شاهزاده‌های عشق» شهرت دارد.